



## مناجات شعبانیه فکری انسان را متحول می‌کند / فرق دعا و مناجات چیست

استاد دانشگاه اصفهان با بیان اینکه مناجات شعبانیه به ما نظام فکری می‌دهد، گفت:

استاد دانشگاه اصفهان با بیان اینکه مناجات شعبانیه به ما نظام فکری می‌دهد، گفت: اگر ما جملات این دعا را به صورت مضامین مستقل کوچک و ساده در کنار هم جمع کنیم یک نظام فکری برای ما درست می‌کند و وقتی نظام فکری با این مضامین شکل گرفت افق فکری مخاطب یا نیایش‌گر به هستی و هستی‌آفرین متفاوت خواهد شد.

محمد مهدی احمدی فراز شعبان هشتمین ماه تقویم هجری قمری است که بنا به احادیث، فضیلت بسیاری دارد و در آن به روزه داری، صدقه دادن، صلوات فرستادن و خواندن دعاهای خاص مانند صلوات شعبانیه و مناجات شعبانیه سفارش شده است. همچنین در این ماه مناسبت‌های مذهبی مختلفی وجود دارد از جمله آنها میلاد امام حسین (ع)، حضرت عباس (ع)، امام سجاد (ع) و امام عصر (عج) است که به اعیاد شعبانیه شناخته می‌شوند.

شعبان از ریشه شعب است و از آنجا که در این ماه روزی مؤمنان و حسنه در آن منشعب و بسیار می‌شود، این ماه شعبان نام گرفت. براساس روایات، ماه شعبان، ماه پیامبر اکرم (ص) است. پیامبر (ص) ماه شعبان را روزه می‌گرفت و به ماه رمضان وصل می‌کرد. روایاتی از معصومان (ع) در فضیلت ماه شعبان آمده است از جمله رفتن به بهشت و برخورداری از کرامت الهی در قیامت، پاداش روزه این ماه معرفی شده است.

همانطور که اشاره شد دعا و مناجات در این ماه مورد تاکید زیادی قرار دارد، خبرنگار ایکننا برای بهره‌مندی بهتر و بیشتر از فیوضات این ماه در این باره با محمد مهدی احمدی فراز؛ استاد دانشگاه اصفهان گفت و گو کرده است که در ادامه می‌خوانید:

ایکننا - یکی از اعمالی که بسیار مورد سفارش در ماه رجب و شعبان است ادعیه وارده است. جایگاه دعا و مناجات در مجموعه معارف اسلامی چگونه است؟

بنده بحث را با یک جمله کلیدی در مورد دعا و نیایش شروع می‌کنم؛ دعا دبستان معرفت برای نوآموزان، دانشگاه رفعت برای اندیشمندان و آبشار رحمت برای گرفتاران است. ممکن است پرسیده شود که چرا باید دعا کنیم؟ جواب آن است که چیزی که ما را به سمت دعا می‌کشاند احساس نیاز و نقص و احساس تنهایی و بی‌کسی است. این دو احساس در تمامی انسان‌ها فارغ از اینکه چه دینی دارند و مسلمان هستند یا نیستند وجود دارد.

اینکه انسانی بگوید من احساس تنهایی و بی‌کسی نمی‌کنم طبیعی است زیرا گاهی غفلت و سرگرمی به دنیا چنان انسان را به خود و زندگی روزمره مشغول می‌کند که این احساس را در وجود او خاموش می‌کند مانند بچه‌ای که گرسنه است ولی وقتی به یک اسباب بازی برسد گرسنگی را که نیازی طبیعی است از روی غفلت و سرگرمی فراموش می‌کند و حاضر است گرسنگی و تشنگی بکشد ولی دست از بازی برندارد؛ بنابراین ممکن است نداشتن تنهایی و نیاز به خدا به خاطر شهرت و ثروت و سرگرمی و اشتغالات فراوان باشد.

یکی از زیبایی‌های دین اسلام این است که روزه به عنوان یک امر واجب برای مسلمین بیان شده است؛ یکی از فواید روان‌شناختی روزه این است که این احساس نیاز را در ما تقویت کند. احساس نیاز به گرسنگی همان حسی است که زمینه‌ساز برای احساس نیاز به خدا را در وجود انسان تقویت می‌کند لذا فضای معنوی در ماه رمضان متفاوت است زیرا احساس نیاز افراد شکوفا می‌شود و این احساس نیاز، اتصال و ارتباط با خدا را تقویت می‌کند و در نهایت احساس نیاز و تنهایی زمینه‌ساز دعا و مناجات خواهد شد.

ایکننا - همانطور که فرمودید، اصل دعا و درخواست مسئله‌ای در وجود انسان است و شاید همه بر آن اتفاق نظر دارند، کما اینکه می‌بینیم هر دین و مکتبی برای خود مناسکی دارد، یکی برای مسجده بودا، نذر می‌کند و دیگری پول در رودخانه گنگ می‌ریزد ولی ممکن است این پرسش مطرح شود که چرا بهتر است دنباله رو ادعیه ائمه (ع) باشیم؟

بله؛ گاهی برخی می‌گویند ما خودمان بلدیم دعا کنیم لذا چرا باید دنبال دعاهای ائمه (ع) و معصومین (ع) برویم و با خدا حرف بزنیم و مناجات کنیم؟ این به آن دلیل است که هر قدر ما با انسان‌های پاک بیشتر آشنا شویم، همانندسازی ما با آنان بیشتر

خواهد شد. ادعیه وارده مضامینی دارد که ممکن است به ذهن انسان عادی خطور نکند یا اگر خطور کرد به خاطر غفلت و روزمرگی خود را به یکسری درخواست های دم دستی و روزمره مشغول کند ولی ادعیه ائمه افق فراتری را پیش روی انسان می گشایند.

البته احساس نیاز در انسان ها متفاوت است و ممکن است فردی احساس نیازش به یک منزل و خانه باشد؛ فرد دیگری به یک ساختمان چند طبقه احساس نیاز کند؛ کسی ممکن است احساس نیاز به داشتن یک شهر بکند ولی احساس نیاز پیشوایان ما فراتر از یک شهر و دنیاست؛ اینکه چرا ما دعای ائمه(ع) را می خوانیم به خاطر این است که احساس نیاز عادی و دانی ما به سمت احساس نیاز عالی و باقی سوق پیدا کند.

حالا ممکن است برخی بگویند ما متقاعد شدیم برای تشبیه و شبیه شدن به اندیشه انسان های وارسته می توانیم از ایشان الگو بگیریم ولی چه ضرورتی دارد که همان قالبی را که بزرگان معصومین(ع) دنبال کرده اند ما هم دنبال کنیم و همان کلماتی را به کار ببریم که ایشان به کار برده اند. خب مسلما کلمات نافذ در نتیجه است و ما به این مسئله توجه نداریم. بگذارید مثال ساده ای بزنم، گاهی ما یک چیزی را از کسی طلب می کنیم او توجهی به خواسته ما ندارد ولی همین درخواست را یک فرد دیگری که پخته‌تر و سلیم‌النفس‌تر است و ادبیات مناسب‌تری دارد انجام می‌دهد و نتیجه می‌گیرد. درخواست یکی است ولی ادبیات در خواست تفاوت دارد بنابراین واژگان و کلمات نافذ در نتیجه هستند اضافه بر اینکه الگوی شناختی رفتاری و عاطفی از طریق کلمات و مضامین برای ما محقق می‌شوند.

ایکنا - چه تفاوتی میان دعا و مناجات وجود دارد؟

در دعا بیان خواسته به صورت آشکارا است؛ در مناجات، سخن گفتن با خدا به صورت آهسته صورت می‌گیرد؛ بنابراین در دعا، بیان نیاز به صورت آشکار و مناجات بیان راز به صورت آهسته است. در مناجات جملات اخباری زیادی است؛ مثلا در مناجات شعبانیه می‌خوانیم: اِلٰهِيْ اِنْ حَرَمْتَنِيْ قَمَنْ ذَا الَّذِيْ يَّرْزُقُنِيْ وَ اِنْ حَدَلْتَنِيْ قَمَنْ ذَا الَّذِيْ يَنْصُرُنِيْ؛ خدایا! اگر محروم سازی، کیست که روزی ام دهد؟ و اگر خوارم کنی، کیست که یاری ام کند؟ اِلٰهِيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ عَصِيْكَ وَ خُلُوْلٍ سَخَطِكَ؛ خدایا! از خشم و فرا رسیدن غضبت، به خودت پناه می‌آورم. اِلٰهِيْ اِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِرَحْمَتِكَ قَانْتُ اَهْلًا اَنْ تَجُوْدَ عَلَيَّ يَفْضَلُ سَعْيِكَ؛ خدایا! اگر شایسته رحمت تو نیستم، تو سزاواری که رحمت گسترده ات را بر من عطا کنی؛ یا در فراز دیگری آمده است: اِلٰهِيْ لَوْ اُرْدْتَ هَوَانِيْ لَمْ تَهْدِنِيْ وَ لَوْ اُرْدْتَ قَضِيْحَتِيْ لَمْ تُعَافِنِيْ؛ خداوند! اگر می‌خواستی رسوایم سازی، از عقوبت دنیا معافم نمی‌کردی. اِلٰهِيْ مَا اَطُّبُّكَ تَرْدِيْنِيْ فِيْ حَاجَةٍ قَدْ اَفْتَيْتَ عُمْرِيْ فِيْ طَلِيْهَا مِيْثَكُ؛ خدایا! باور ندارم که در حاجتی دست رد به سینه ام بزنی، حاجتی که عمر خویش را در پی آن گذراندم و عمری از تو طلبیدم. اِلٰهِيْ فَلَكَ الْحَمْدُ اَبَدًا اَبَدًا دَائِمًا سَرْمَدًا يَزِيْدُ وَ لَا يَبِيْدُ كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى؛ خدایا! ستایش ابدی و ثنای سرمدی تنها از آن توست، سپاسی همواره فزاینده و بی‌پایان؛ کم و کاست، آن گونه که تو دوست داری و می‌پسندی.

در اینجا توصیف دارد لذا می‌گوید خدایا اگر تو مرا محروم کنی چه کسی به من روزی می‌دهد و اگر تو خوار می‌سازی مرا خواسته بودی هدایت نمی‌کردی. ولی وقتی می‌فرماید: اِلٰهِيْ تَوَلَّ مِنْ اَمْرِيْ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ؛ خدایا! کار مرا آن گونه به سامان برسان که تو سزاوار آنی (نه آن سان که من در خور آنم). وَ عُدَّ عَلَيَّ يَفْضَلُكَ عَلَيَّ مُذْنِبٍ قَدْ عَمَرَهُ جَهَنَّمُ؛ و با بزرگواریت، به من عنایت کن، بر گناهکاری که در لجه جهل خویش فرو رفته است. یعنی خدایا سرپرستی مرا تو بر عهده بگیر آن گونه که تو شایسته آن هستی. اینجا دعا و درخواست است و توصیف نیست. پس تفاوت دعا و مناجات یکی در جملات اخباری و انشایی است و تفاوت دیگر جدی که خیلی عمیق است این است که هدف از دعا، غالب شدن بر خواسته و نیاز و نقصی است که من احساس می‌کنم ولی هدف از مناجات غالب شدن بر احساس تنهایی و بی‌کسی و ارتباط با خداست.

در مورد حضرت موسی(ع) با اینکه ایشان می‌دانست خدا دیدنی نیست ولی باز درخواست کرد؛ چو رسی به طور سینا ارنی بگو و مگذر... در واقع این درخواست موسی(ع) نجوا بوده است یعنی حضرت موسی(ع) قصد داشته است تا احساس نیاز تنهایی را با گفت و گو با معشوق پوشش بدهد.

ایکنا - مضامین دعایی در مناجات شعبانیه چه مواردی است؟

مناجات شعبانیه به ما نظام فکری می‌دهد، اینکه سال‌ها امام خمینی(ره) با مناجات شعبانیه مانوس بوده است به این خاطر است که نظام فکری ائمه(ع) را در این مناجات دریافت می‌کرده است. یکی از این خواسته‌ها و مضامین، «وَ اسْمَعْ دَعَائِيْ اِذَا دَعَوْتُكَ وَ اسْمَعْ يَدَائِيْ اِذَا تَادَيْتُكَ؛ و شنوای دعایم باش آنگاه که می‌خوانمت، و صدایم را بشنو گاهی که صدایت می‌کنم» است؛ اِلٰهِيْ «تول من امری ما انت اهله؛ خدایا کار مرا آن طور که سزاوار آن هستی بر عهده بگیر» هم یکی دیگر از این مضامین است. «اِلٰهِيْ قَسْرَتِيْ يَلِقَائِكَ يَوْمَ تَقْضِيْ فِيْهِ بَيْنَ عِبَادِكَ؛ خدایا! آن روز که میان بندگانت؛ به داوری می‌پردازی، با دیدار چهره

رافت؛ خود، مسرورم ساز» جمله سوم است. إلهی وَ اَلْهَمْنی وَلَهَا یذکرکَ اِلی ذکرکَ وَ هَمْتی فی رَوْحِ تَجَاحِ اَسْمَائِکَ وَ مَحَلِّقُدْسِکَ؛ معبود من! شیدایی و شیفتگی به ذکرک را الهام فرما! و همتم را در قرار گرفتن در مسیر اسم هایت و قرار گرفتن در جایگاه قدست قرار ده تا به این تعبیر می رسد: «الهی هب لی کمال الانقطاع الیک» که امام خمینی خیلی با این جمله مانوس بودند و ادامه می یابد تا می رسد به این جمله «إلهی فَلَکَ اَسْتَلُّ وَ اِلَیْکَ اَبْتَهَلُّ وَ اَرْعَبُ وَ اَسْتَلُّکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اَلْمُحَمَّدِ وَ اَنْ تَجْعَلَنی مِمَّنْ یُدِیْمُ ذَکْرَکَ وَ لَا یَنْقُضُ عَهْدَکَ وَ لَا یَعْقُلُ عَن شُکْرَکَ وَ لَا یَسْتَخِفُّ بِاَمْرَکَ؛ معبود من! فقط از تو مسئلت می نمایم و تنها به سوی تو، ابتهاج و زاری و اشتیاق دارم، و از تو می خواهم که صلوات و درود بر محمد و آل او فرستی و مرا از آنانی قرار دهی که همواره به یاد تو، و هرگز با تو پیمان کنی نکنند و از شکر و سپاست لحظه ای غفلت نمی ورزند و هیچ گاه فرمانت را سبک نمی شمزند.» این مجموعه جملات یک نظام فکری به ما می دهد و تمرکز آن بر درخواست است و مابقی عبارات و جملات حالت خبری است.

اگر ما این جملات را یکی یکی به صورت مضامین مستقل کوچک و ساده در کنار هم جمع کنیم یک نظام فکری برای ما درست می کند و در حقیقت نظام فکری مخاطب را متحول می کند به شرطی که مخاطب در تجربه زیسته با این مضامین و با نوع خواندن و تحلیل دقیق و عمیق سراغ این متون برود. وقتی نظام فکری با این مضامین شکل گرفت افق فکری مخاطب یا نیایش گر به هستی و هستی آفرین متفاوت خواهد شد گویا با عینک ائمه(ع) به همه چیز نگاه می کند لذا سختی ها و لذت ها ماهیت دیگری برای او پیدا می کند و اندیشه های ائمه(ع) در ذهن و فکر مخاطب نهادینه خواهد شد.

گفت وگو از علی فرج زاده